



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۱/۱۴



عبدالقیوم میرزاده

ملت منافع ملی دولت - ملت در افغانستان



بخش هشتم

پیش گفتار نویسنده بجای مقدمه: وضعیت ناهنجار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و گسترش نا امنی در سراسر کشور، افتراق و چاق شدن اختلافات گوناگون قومی، مذهبی، جنسیتی و زبانی روز افزون میان مردم، فاصله گرفتن مردم از فهم و درک منافع ملی در کشور ما عزم را به جزم کشاند تا این ناهنجاری ها را تا حد توان و امکانات دست داشته زیر عنوان (ملت - منافع ملی و دولت ملت) به تحریر و به معرفی بگیریم. در این نوشته سعی بر آن داشته ام تا خصوصیت های اساسی مشکلات فرا روی همزیستی، همدلی، همنوایی مردم ما را زیر یک چتر افغانستان شمول به نام مقدس افغان با کند و کاو نشانی کرده و معرفی کنم.

کشاورزان و دامداران کشور

از دهقانان و مالداران بگویم، دهقانان و روستا نشینان بیشترین رقم از باشندگان این سرزمین را تشکیل می دهند و ارتقا و نزول اقتصاد کشور و رفاهیت مردم هم شدیداً به این قشر وابسته است. مگر با تأسف کشاورزان و روستا نشینان ما تا کنون هم به نحوه قرون وسطایی به زندگی و زراعت مشغول اند. از این وضع چنین استنباط می گردد که این قشر کمتر احساس مسؤلیت نسبت به زندگی خود و وضعیت کشور داشته اند، اکثریت این قشر بیسواد و یا کم سواد بوده از کمترین آگاهی در باره زندگی و دهقانی برخوردار است و دارای زندگی بسیار بدوی بوده و از کمترین تسهیلات رفاهی برخوردارند و همیشه به بالا نگرسته که مشکل شان از غیب آسان شود. هیچگاه به این نه

اندیشیده اند که نقش اساسی را در خوشبختی انسان خودش دارد، این خودش است که زندگی اش را دگرگون ساخته و هرچه بکارد می درود. اگر آنها به این می اندیشیدند که چطور می توان کیفیت و کمیت حاصل را بالا برند و همه مردم کشور در گام نخست به چه نیازمندند، مراتع و چراگاه های حیوانات از چه اهمیت به سزایی برخوردار است و در سایر کشور ها دهقانان و مالداران چه تجارب جدید آموخته اند، و منافع همگانی در همه شرایط برای شان حایز اهمیت می بود، برای دهقان ما بایست حیاتی ترین سؤال همین مطرح می بود که او با این همه وسعت زمین قابل کشت تنها شکم خود را سیر کرده نمی تواند در حالیکه دهقان یک کشور پیشرفته با تولید زراعتی در پهنای معادل یک بر دهم زمین دهقان افغان هم خود از رفاهیت تمام برخوردار است و هم محصولاتش به خارج صادر می گردد.

اگر دهقان ما برای بهبود زندگی اش می اندیشید و این آگاهی را میداشت که او در برابر همه مردم کشورش مسؤول تهیه رزق می باشد در این سرزمین پهناور با این دریا های خروشان چون آمو- کوکچه - مرغاب - ارغنداب - هیرمند - فراه رود - هریرود - خاشرود - اولنگ - پنجشیر- کابل - بلخاب - برتنگ - پنجرود - سفید رود - تگاب - ترناک - تخار - علیشنگ - علینگار- شیرین تگاب - سرستونی - کندز- نیزنگ - گند - گر لوره و غیره و آب فراوان نه تنها در داخل کشور هیچ گرسنه ای وجود نمی داشت بلکه همین دهقانان ما خود از مرفه ترین قشر جامعه و بزرگترین صادر کنندگان مواد غذایی به کشور های خارجی می بودند، با آنکه احصائیه معینی در زمینه وجود ندارد حدودی بیش از ۷۵% مردم ما در روستا ها زندگی دارند که بخش اعظم شان از طریق دهقانی و مالداری امرار حیات می کنند و به این ترتیب بخش اعظم درآمد کشور از سکتور زراعت تمویل می گردد و اگر این سکتور شگوف باشد یعنی کشور شگوفان گشته و همچنان زندگی روستا های کشور شگوفان می گردد. اگر دهقانان ما بر پایه منافع ملی با رسالتمدی به زراعت در کشور مشغول گردند این خود مشوق سرمایه داران و شرکت ها در سرمایه گذاری های بزرگ در این سکتور گردیده و زارع ما از بهترین تکنالوژی زراعتی برخوردار می گردد.

کشاورزان ما نباید چشم به بالا گرفته و منتظر سرنوشت قضا و قدر بمانند، آنها بایست فرا بگیرند که چگونه با آفات طبیعی مجادله کرد، چگونه با وضعیت جوی مجادله کرد، چگونه در هر فصل سال از زمین حاصل فراوان برداشت و چگونه سبز خانه ها و سیستم آبیاری کم هزینه یا آبیاری قطره ای را جایگزین سیستم های پر مصرف زراعتی کرد ولی متأسفانه با وصف چنین پوتانسیل و امکانات بزرگ مادی و معنوی ببینیم دهقانان و دهات کشور در چه وضع رقت بار، فقرا و قرون وسطایی زندگی داشته و از کمترین امکان زندگی مستفید اند و چون این سکتور نقش بزرگ در اقتصاد کل کشور دارد بناءً همه کشور در این رنج سهیم گشته و آرامش ندارند. گرچه توجه و حمایت مادی و معنوی حکومت در عرصه زراعت از الویت های بی قید و شرط می باشد که آن را در جایش به توضیح می گیریم اما دهقانان خود باید احساس مسؤولیت کنند و خود به این آگاهی برسند که در قبال حرفه، خانواده و مردم اش چه مکلفیتی دارد و چگونه می توانند زندگی خود و ماحول شان را بهبود بخشند. نا گفته نباید گذاشت با تأسف فراوان که این وضعیت بی ثبات اقتصادی در دهات، دهقانان ما را متزلزل و بی ثبات ساخته و در این اواخر عده ای از آنها دانسته و یا ندانسته به کارگران زراعتی باند های مافیایی برای کشت خشخاش جهت تولید مخدر تبدیل گردیده اند و یک رقم درشت از هموطنان ما به این ماده خانمانسوز و خانمان برانداز معتاد گردیده و خطر بزرگی همه کشور را تهدید می کند و مشکلی را بر انبوهی از مشکلات عدیده دیگر افزوده است.

بازرگانان، سرمایه داران و اهل فن و حرفه

از تاجران، سرمایه داران و اهل کسبه بگویم، اگر تاجران و اهل کسبه ما پیوسته به این می اندیشیدند که این منافع همگانی است که منافع آنها را تأمین می کند، اگر مردم قدرت خرید نداشته باشند پس آنها برای امتعه تولیدی و وارداتی خویش از کجا مشتری و یا خریدار پیدا می کنند، اگر بازار فروش شان افغانستان و مشتریان شان باشندگان افغانستان است پس باید به این فکر باشند که در گام نخست تولیدات داخلی اعم از صنعتی و زراعتی جایگاه و مقام ارشد در مارکیت داشته باشد و نباید این تولیدات را که هنوز خیلی نو پا است در برابر رقابت غول های اقتصادی جهان قرار داد و خفه کرد، در گام های بعدی پول اتباع کشور در جایی صرف شود که ضرورت های مبرم زندگی آنها را برآورده می سازد. تاجران و سرمایه داران ما بایست مسؤولانه در عرصه تولید و توريد منافع ملی را در نظر بگیرند. آنها مسؤولانه در باره همه عرصه های تولیدی و مصرفی اصل منافع ملی را در نظر داشته باشند. در نتیجه کار و زحمت این قشر است که فاصله بین فقر و رفاه در جامعه معین می گردد البته که قوانین کشور نقش ارزنده و به سزای خود را ایفا می کند اما این قشر است که جیب های مردم را اداره و رهبری می کنند. اگر اینها بر پایه منافع ملی بیاندیشند و نگذارند که پول دسترنج و حاصل زحمت مردم صرف امتعه غیر ضروری گردد و در پروسه سرمایه گذاری، تولید و توريد اصل رفاه عامه و شگوفایی کشور مطمع نظر شان باشد یقیناً کشور به رفاهیت میرسد.

اگر هر تبعه افغان در ماه یک افغانی را بیجا صرف کند در سطح کشور به ماه سی میلیون افغانی و در سال سیصد و شست میلیون افغانی بالغ می گردد و اگر این رقم به هر اندازه ای که بالا برود ببینید که چه فاجعه برپا می گردد، به صورت علمی به این مسئله نگاه کنید هر پول ضرری که به یکی از باشندگان کشور برسد مستقیماً متناسب است به ضرر همگانی در مقیاس کل کشور، این مسئله به فهم همگانی بایست بدل گردد.

صنعتگران، تاجران، خرده مالکین، دکانداران، اهل کسبه و دوره گردان باید به این درک ملی برسند و یا بهتر بگویم دقیقاً این را درک کنند که همه تأسیسات عام المنفعه و رفاه همگانی چون تأسیسات صحتی و مراقبتی، تأسیسات خدمات اجتماعی، ارگان های تأمین نظم عامه و دفاعی، بند و انهار، شاهراه ها و جاده ها، شهر ها و قریه ها همه و همه از طریق بودجه بیت المال بایست تمویل گردد و بودجه بیت المال از طریق مالیه ها و تادیه های عموم مردم تأمین می گردد. پس در عوض اینکه از مالیه دهی فرار کنند و به ارزش ده ها مرتبه بالاتر از مبالغ و نورم هایی تعیین شده مالیه را به صورت رشوه و جرایم به اشخاص و مراجع بپردازند که منافع اشخاص را تأمین می کند نه منافع ملی را پس بایست خود هرکدام از مشوقین پرداخت مالیات بوده و متخلف را همچو ناقص و غاصب منافع ملی به پنجه قانون بسپارند و نگذارند این شاهرگ های منافع و رفاه ملی حیف و میل گردد. آنها که دارندگان بخش بزرگی از ثروت مادی کشورند این درک را داشته باشند که آنها هم سهم بزرگی در رفاه کشور باید داشته باشند. سرمایه داران در سرمایه گذاری های شان خود صاحب اختیارند اما سرمایه گذاری در سکتور های صنایع، زراعت، مالداري و آب در داخل کشور که از یک طرف باعث ایجاد محلات جدید کار برای هموطنان شان می گردند از جانب دیگر در چوکات قوانین کشور حکومت و اتحادیه های صنفی ضمانت مطمئن برای حفظ سرمایه های شان می باشد. در حالیکه در خارج از کشور از چنین امتیازی برخوردار نبوده و هر آن احتمال آن می رود که سرمایه های شان دستخوش

معاملات سیاسی و حوادث بین المللی گردد. اگر کمی دقت به خرچ داده و سرنوشت سرمایه داران و تاجران صده متأخر ما را به کاوش بگیریم از میان آنهایی که بنا بر هر عاملی افغانستان را وطن خویش ندانسته و سرمایه های شان را به خارج از کشور منتقل کردند یکی را نمی یابید که خود و یا اخلاف شان از مایحصل سرمایه های منتقل گشته زندگی مرفه داشته باشند. طریقه برخورد در همه جهان بر پایه منافع ملی استوار است آنها به یک دینار، قروش، سنت و یا کپیگ خود اجازه نمی دهند تا به جیب اجنبی یروند. اگر این تاجران و سرمایه داران این سرمایه ها را در سکتور های اقتصادی کشور خود سرمایه گذاری میکردند نه تنها کارگر، دهقان و اولاد کشور خود شان به کار گماشته میشد و در رفاه زندگی میکرد بلکه آسیب پذیری های جامعه را سد میکردیدند و این امر ثبات را در جامعه متضمن میگشت و خود نیز با فخر و افتخارات بزرگ در کشور خود زندگی کرده و نام نیک کمایی میکردند. نمیتوان انکار کرد که در شرایط موجود و تا زمان خود کفایی کشور عزیز ما افغانستان به کمک های خارجی نیازمندیم ولی بایست این کمک ها هم از جانب حکومت و هم از جانب مشمولین سکتور صنایع، زراعت، مالداری، آبیاری و تجارت در عرصه های سود آور ملی مورد استفاده قرار گیرد و برای بهبود وضعیت صحت عامه، تعلیم و تربیه، خانه سازی و مسکن و سکتور استهلاکی پروژه های عام المنفعه به منصفه اجرا قرار داده شود.

پایان بخش ششم



قسمت اول این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۱.pdf

قسمت دوم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۲.pdf

قسمت سوم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۳.pdf

قسمت چهارم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۴.pdf

قسمت پنجم این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۵.pdf

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمایی شوند.

دولت - منافع ملی - دولت در افغانستان (بخش ششم)

[Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۶.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Mirzada_a_q_melat_manafi_mili_daolat_۶.pdf)